تیتر:**مفاتیح‌الجهاد**

زیرتیتر: **معرفی منابع اندیشه‌ای دوره تبیینی گفتمان ولایی جهاد فرهنگی**

**«شَرَعَ لَکُم مِّنَ الدِّینِ مَا وَصَّی‏ بِهِ نُوحاً وَالَّذِی أَوْحَیْنَآ إِلَیْکَ وَمَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَمُوسَی‏ وَعِیسَی‏ أَنْ أَقِیمُواْ الدِّینَ وَلَا تَتَفَرَّقُواْ فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ ...‏»[[1]](#footnote-1)**

**«از دین آنچه را به نوح سفارش کرد، برای شما (نیز) مقرّر داشت و آنچه به سوی تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش نمودیم آن بود که دین را به پا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید، آنچه مردم را بدان دعوت می‏کنی بر مشرکان سنگین است ...»**

**رهبر معظم انقلاب**

«آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌کنیم و درمی‌یابیم، این است که مطالبه اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به‌نحو کامل است؛ مطالبه‌ اسلام، تحقّق کامل دین اسلام است. ... دین حدّاقلّی و اکتفای به حدّاقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به‌عنوان دین حدّاقلّی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعدّدی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون بعضی، مذمّت شده است؛ «اَلَّذینَ جَعَلُوا القُرءانَ عِضین»[[2]](#footnote-2) یا آیه شریفه «وَ یَقولونَ نُؤمِنُ بِبَعضٍ وَ نَکفُرُ بِبَعض»[[3]](#footnote-3) که مربوط به منافقین است، اشاره به همین است. حتّی برخی از بخش‌های دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه قسطیم و اقامه قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقّق پیدا کرد؛ نه، این نیست. بله مسلّماً اقامه‌ قسط در جامعه، یک قلم مهم است. از این آیه شریفه در سوره‌ مبارکه‌ حدید، «لَقَد اَرسَلنا رُسُلَنا بِالبِیِّنت وَ اَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتبَ وَ المیزانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط»[[4]](#footnote-4) این‌جور به‌نظر می‌رسد در بادی امر، که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه‌ قسط است ... لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدّس از ما قبول می‌کند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه قسط و همه همّت خودمان را بگذاریم برای اینکه اقامه قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی‌توجّهی قرار بگیرد؛ نه، آیه شریفه می‌فرماید که «اَلَّذینَ اِن مَکَّنّهُم فِی الاَرضِ اَقامُوا الصّلوةَ وَ ءاتَوُا الزَّکوةَ وَ اَمَروا بِالمَعروفِ وَ نَهَوا عَنِ المُنکَر»[[5]](#footnote-5). یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکّنین در ارض دارد، اینها است که اوّلش «اَقامُوا الصّلوة» بعد «وَ ءاتَوُا الزَّکوةَ وَ اَمَروا بِالمَعروفِ وَ نَهَوا عَنِ المُنکَرِ وَ للهِ‌ عاقِبَةُ الاُمور» [است]. این‌جور نیست که اگر ما به قسط توجّه می‌کنیم، حق داشته باشیم که از اقامه صلات و اهمّیّت دادن به صلات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم؛ بلکه «اَنِ اعبُدُوا اللهَ وَ اجتَنِبُوا الطّاغوت»[[6]](#footnote-6) - که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیّت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیّتی که خدای متعال در آن آیه شریفه سوره‌ شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی‌ و به بقیّه کرده است: «اَن اَقیمُوا الدّین»؛ آنکه مورد نظر است، اقامه‌ دین است؛ یعنی همه دین را باید اقامه کرد؛ «وَ لاتَتَفَرَّقوا فیهِ کَبُرَ عَلَی المُشرِکینَ ماتَدعوهُم اِلَیهِ اللهُ یَجتَبی اِلَیهِ مَن یَشآءُ وَ یَهدی اِلَیهِ مَن یُنیب»؛ یعنی همه‌ دین - همه‌ اجزا و همه‌ ارکان دین - مورد توجّه است و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه دین بتمامه، بجمیع اجزائه، بکلّه - عبارتند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم؛ «کَبُرَ عَلَی المُشرِکینَ ما تَدعوهُم اِلَیه» آنچه تو به آن دعوت می‌کنی، برای مشرکین ‌[گران است]؛ ... در مقابله‌ با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت.»[[7]](#footnote-7)[[8]](#footnote-8)

**مفاتيح‌الجهاد يك دوره آموزشي نيست!**

**مفاتيح‌الجهاد يك كتاب آموزشي هم نيست!**

**مفاتيح‌الجهاد، «عمليات و مبارزه‌ فكريِ منسجم در وسط ميدان» براي حمايت فكري از جبهه مردمي فرهنگ است**

**با حضور، مشاركت و حمايت جمعي از فرماندهان، افسران و هنرمندانِ عرصه‌ جهاد فرهنگي**

**و**

**تلاشي براي هم‌افق كردن «جبهه مردمي فرهنگ» با «ولي جامعه».**

مقدمه

لازمه حرکت از رتبه «مؤمن قاعد» به درجه «مؤمن مجاهد» این است که انسان، فراتر از حفظ ایمان فردی، در قبال جامعه و دیگران احساس مسئولیت نموده و در راه خدا قیام نموده و به جهاد اقدام نماید.

بی‌شک کسانی می‌توانند در این راه قدم بگذارند که هم از «اندیشه‌»ای محکم و مستحکم بهره‌مند بوده و نسبت به مبانی دینی و انقلابی آشنایی کافی داشته باشند و هم از بُعد «انگیزه»، برخوردار از روحیه جهادی والایی باشند. استحکام هر اندیشه‌ای وابسته به عمق دینی و اطلاع و اشراف به اسلام ناب می‌باشد و قوت و شدّت هر انگیزه‌ای وابسته به «تعالی و بلندی هدف» است.

با عنایت به بیانات رهبر معظم انقلاب، اگر بخواهیم به تمدن نوین اسلامی که هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی است برسیم، باید به «فرهنگ» که اساس و نرم‌افزار این تمدّن را شکل می‌دهد، توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

با توجه به هجمه‌هایی که علیه فرهنگ ایرانی- اسلامی وجود دارد، زمانی خواهیم توانست به این هدف دست یابیم که بتوانیم«عزمی ملی» را در فرهنگ خویش ایجاد کنیم. همانطور که در زمان دفاع مقدس، حضور حماسی مردم، در قالب بسیج نیروهای مردمی، توانست در عرصه نظامی، این حماسه را به وجود بیاورد، لازم است همان فضای حماسی ملی در عرصه فرهنگ نیز شکل بگیرد. طبیعتاً ضروری است که دو جبهه «مردمی» و «حاکمیتی» در راستای فرامین ولایت برای رسیدن به این هدف تلاش کنند.

نگاه جبهه‌ای به مقوله فرهنگ و فراهم کردن مقدمات علمی و اجرایی آن برای خلق حماسه فرهنگی در سطح ملی ضروری است، امّا آنچه در اولین گام، اولویت دارد، ایجاد انسجام در این جبهه بر اساس یک گفتمان واحد است. این گفتمان واحد، شامل اصول و کلیات برگرفته از مبانی دینی، فرامین رهبری و مباحث کارشناسی است.

طرح تدوین «گفتمان ولایی جهاد فرهنگی»، تلاشی برای تولید، ترویج، فرهنگ‌سازی و تبیین این گفتمان است که از طریق فعالان و نخبگان فرهنگی در سراسر کشور اجرایی خواهد شد. این طرح به تدریج تکمیل، اصلاح و به‌روزرسانی خواهد شد.

بیان چرایی و اهداف طرح

1. تمد‌ن‌سازی نوین اسلامی هدف اصلی انقلاب(نقش‌آفرینی همگانی در تمدن‌سازی)

«نگاه تمدنی» به کلیه تلاش‌ها و پرهیز از جزئی‌نگری، امری ضروری است.

تمدن مشتمل بر دو بخش است: 1. «سخت‌افزار» 2. «نرم‌افزار»؛ با توجه به منویات مقام معظم رهبری مهم‌ترین کار در تحقق تمدن نوین اسلامی، تلاش برای احیای فرهنگ و سبک زندگی اسلامی است.

2. فرهنگ، نرم‌افزار و رکن اصلی تمدن( تلاش برای احیاء جایگاه فرهنگ و سبک زندگی اسلامی)

«فرهنگ به عنوان نرم‌افزار تمدن» مهم‌ترن رکن برای تأسیس تمدن نوین اسلامی است و غفلت از این رکن می‌تواند منجر به از بین رفتن فرهنگ بومی و افول تمدن اسلامی شود. به همین دلیل باید به احیای فرهنگ و سبک زندگی ایرانی- اسلامی اهتمام داشت.

در یک دسته‌بندی می‌توان جبهه فرهنگی انقلاب را متشکّل از دو رکن اساسی دانست:

1. جبهه حاکمیتی 2. جبهه مردمی

تمرکز طرح «مفاتیح‌الجهاد» معطوف به انسجام جبهه مردمی است. این جبهه از دو قشر عمده «نخبگان جامعه» و «عموم مردم» تشکیل شده است و در این بین نقش نخبگان در تحقق این اهداف پررنگ‌تر است.

از این رو لزوم زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی همگانی مردم، امری ضروری به نظر می‌رسد.

3. ضرورت عزم ملی، در عرصه فرهنگ(زمینه‌سازی برای نقش‌آفرینی همگانی مردم)

«احیای ظرفیت عظیم و اثرگذار مردمی» و «ایجاد ثبات در جریان فرهنگی کشور»، «هماهنگی در اصول» و «هم‌افزایی عملیاتیِ» مجموعه‌های مردمی را می‌توان زمینه‌ساز و مقدمه «تحقق جبهه مردمی فرهنگ» دانست.

هم‌افزایی عملیاتی در یک جبهه یا از طریق «انسجام ساختاری» به وجود می‌آید یا از طریق «انسجام گفتمانی» شکل می‌گیرد. انسجام ساختاری عموماً از طریق جبهه حاکمیتی به وجود می‌آید، امّا انسجام گفتمانی را می‌توان با تکیه بر جبهه مردمی و قشر نخبگان جامعه، به وجود آورد.

4. ضرورت مجاهدت جبهه‌ای در فعالیت‌های مردمی(بهینه‌سازی و هم‌افزایی تلاش‌های مردمی)

بنابراین باید به فکر بهینه‌سازی و هم‌افزایی تلاش‌های مردمی باشیم. برای شکل دادن به هم‌افزایی عملیاتی در جبهه مردمی باید از مسیر «انسجام گفتمانی» و «ارتقاء اثربخشی» گذر کرد. مبنای گفتمان جهاد فرهنگی، مبانی دینی و راهبردها و فرامین ولیّ جامعه است.

لوازم مجاهدت جبهه‌ای

مجاهدت در هر جبهه‌ای چه فرهنگی و چه نظامی، نیازمند ابزار و وسایلی است که شناخت بیشتری به مجاهدان بدهد و بتواند اهداف جبهه را هرچه بهتر و جامع‌تر محقق کند. براین اساس برای مجاهدت در این جبهه نیازمند دو ابزار اساسی هستیم: 1. نگاه نقشه‌ای. 2. عملکرد جبهه‌ای

نگاه نقشه‌ای

- کلان‌نگری و پرهیز از جزنی‌نگری

- ترسیم اندیشه جهانی

- ترسیم جایگاه امور فرهنگی و نسبت آن‌ها با یکدیگر

عملکرد جبهه‌ای

- ایجاد و تقویت ساختارهای جبهه‌ای

- همکاری با تمام سطوح جبهه فرهنگی

- اطلاع از وضعیت جبهه خودی و جبهه دشمن

- انتقال تجارب فرهنگی به همدیگر

- برجسته‌سازی تولیدات و الگوهای فاخر فرهنگی

- تقسیم کار و پوشش تمام بخش‌ها

- همکاری دو جبهه «مردم» و «حاکمیت» در ابعاد فکری، اجرایی و نظارتی

- تقویت روحیه کار جمعی

5. ضرورت تولید گفتمان واحد جهاد فرهنگی(استخراج گفتمان مبتنی بر مبانی دینی و ولایی و نظرات کارشناسی)

برای ایجاد این ساختار و انسجام و اثربخشی گفتمانی، باید به فکر «تدوین گفتمان مبتنی بر مبانی دینی و ولایی و نظرات کارشناسی» و «شناسایی و تبیین نخبگان فرهنگی» باشیم.

**لوازم انسجام و اثربخشی گفتمانی در جبهه جهاد فرهنگی مردمی:**

1- گفتمان‌سازی 2- ساختارسازی 3- نهادسازی 4- جریان‌سازی 5- فرهنگ‌سازی

**انسجام**

\* **انسجام علمی(فکری) از طریق:**

- شناخت عالمانه از اسلام ناب محمدی و آرمان‌های انقلاب

- شناخت دیدگاه‌های رهبری و هم‌افق شدن با نگاه معظم‌له

- شناخت عالمانه از منظومه فرهنگی

- شناخت عالمانه از وضعیت خودی و دشمن

- شناخت عالمانه از اصول و آداب جهاد

\* **انسجام عملی از طریق:**

- عمل به موقع بر اساس نظرات رهبری

- آشنایی و تبعیت از آداب کار جمعی(گروهی، شبکه‌ای و جبهه‌ای)

**اثربخشی** با برخورداری از:

- اندیشه جهادی(بینش و دانش دینی، انقلابی و تبلیغی)

- انگیزه جهادی(عزم و روحیه دینی، انقلابی و تبلیغی)

- رفتار جهادی

- مهارت جهادی

6. ترویج و جریان‌سازی گفتمان از طریق تبیین نخبگان(شناسایی و تبیین نخبگان فرهنگی)

«تدوین بسته تبیینی و طراحی الگوی ارائه» در محورهای اندیشه، انگیزه، رفتار و مهارت برای نخبگان فرهنگی در **سطوح سه‌گانه تربیتی[[9]](#footnote-9)** به همراه سطح مقدماتی آن، مستلزم شناسایی نخبگان فرهنگی است.

**مخاطب طرح:** مخاطبان طرح «مفاتیح‌الجهاد» در وهله نخست «فعالان فرهنگی عرصه مردمی» و سپس «مجموعه‌های فرهنگی مردمی» هستند.

7. فرهنگ‌سازی گفتمان(ارزیابی، بازتولید، تکمیل گفتمان و بسته نقشه جهاد فرهنگی)

8. مرجعیت فکری مجاهدت فرهنگی(زمینه‌سازی تربیت و تولید جهادی تبلیغی)

شاخص‌های بسته مفاتیح‌الجهاد

ویژگی‌های طرح مفاتیح‌الجهاد، بر اساس آسیب‌شناسی طرح‌های مشابه بیان شده است؛ لذا هر ویژگی در مسیر رفع یک آسیب مطرح می‌گردد:

1) نیازهای اساسی فرهنگ

2) عمل منسجم و جبهه‌ای جناح انقلابی مؤمن

3) تقویت فعالیت‌های مردمی

4) ارتقاء سطح کارشناسی و کیفیت فعالیت‌های فرهنگی

5) اعتلای افق و وسعت فعالیت‌های فرهنگی

6) ارتقاء انگیزه‌ها و عمل جهادی

7) ارتقاء مهارت‌ها و توانمندی‌های میدان عمل

برای رفع مشکلات فوق، طرح مفاتیح‌الجهاد پیش‌بینی شده است که دارای لایه‌های سه‌گانه «اندیشه‌ای»، «انگیزشی» و «مهارتی» است؛ بُعد اندیشه‌ای نیز در دو جزء «مباحث گفتمانی» و «موضوعات کارشناسی» است و به صورت دوره‌هایی با یک سطح مقدماتی و سه سطح اصلی برگزار می‌شود.

**الف) شاخص‌های مربوط به فرآیند تدوین(مرحله تولید)**

برای تدوین موضوعات، فرآیند خاصی در نظر گرفته شده است که در آن متون پژوهشی تولید و جهت تبدیل به متن آموزشی به فرآیند تبیین سپرده می‌شود. در این فرآیند باید ملاک‌های ذیل رعایت شده باشند:

\* پرداختن به مباحث فرهنگ در دو بُعد بلندمدت«افق تمدنی، عُمق گفتمان» و کوتاه‌مدت«نیازهای روز»

\* جامع «عُمق و اتقان علمی» و «موضوعات کاربردی»

\* اتصال دو حوزه «مباحث نظری گفتمانی» با «مباحث عملیاتی جهادی»

\* فرآیند چرخه «مطالعه کتابخانه‌ای» و «رصد میدانی نیازها و مسائل»

\* حاکمیت اندیشه واحد(در مبانی دینی و اصول کارشناسی) بر کل کار

\* حاکمیت ادبیات واحد و علمی بر کل کار

\* استفاده از مطالعات و تجارب مشابه

\* توجه به اسناد بالادستی فرهنگی کشور

\* بروز شدن و ارتقاء سالیانه

\* نقشه‌ای و هندسه‌ای بودن و کلان‌نگری پیش از جزئی‌نگری

\* جامعیت و مانعیت و پرداختن به اولویت‌های ضروری

\* توجه به مسائل انگیزشی و مهارتی در کنار مباحث اندیشه‌ای

**ب) شاخص‌های مربوط به فرآیند تبیین(مرحله انتقال)**

بعد از اتمام فرآیند تدوین، متن تولیدی برای تبدیل به متن آموزشی و تهیه متون و امکانات کمک آموزشی، وارد مرحله بعد می‌شود که در این مرحله شاخص‌های ذیل مورد توجه خواهند بود:

\* استفاده از ادبیات عام‌فهم و خاصه‌پسند

\* بهره‌مندی از قواعد تربیتی حاکم بر آموزه‌های دینی

\* بهره‌مندی از ابتکارات، تکنولوژی‌ها و روش‌های نوین

\* اکتفا به حداقل زمان ضروری برای تبیین و آموزش

\* تسهیل و تعمیق تبیین با استفاده از روش تعمیق تدریجی و طراحی دوره‌های مختلف

\* «استقلال نسبی» در عین «زنجیره‌ای بودن» حلقات سطوح

\* فرآیند نخبه‌گزینی و نخبه‌پروری

\* خروجی چندگانه و چندقالبی( 1. مجازی و حضوری 2. فشرده و مبسوط و...)

\* آثار جانبی

\* تحقق هدف ارتباط دانشجو و استاد در حلقه‌های تدوینی و تبیینی

**منطق اجمالی سطوح و دوره‌های آموزشی**

**مراتب تدیّن: اسلام، ایمان، عمل**

هر انسانی بعد از آن که دین اسلام را برای ادامه مسیر خود انتخاب می‌کند، وارد مرتبه «اسلام» و پذیرش دین، می‌شود. اگر آنچه در مرحله اسلام پذیرفته شده است، وارد قلب انسان شود، و تبدیل به یک باور قلبی شود، باعث تحقق مرتبه «ایمان» خواهد شد؛ «**قَالَتِ الأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ ...»[[10]](#footnote-10)**

مرحله سوم اثرگذاری باور درونی، در رفتار و ورود به مرتبه «عمل» است که والاترین درجه آن، «جهاد» است.

اساسی‌ترین وظیفه یک مؤمن مجاهد، شناخت عمیق دین و طریقه اقامه آن است: «**أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ**» «**قل إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْني وَ فُرادي**»[[11]](#footnote-11): (قیام لله برای اقامه دین)

**مفهوم دین و اقامه آن**

خدای متعال پیش از انسان، هستی را به‌عنوان مقدمه‌ای برای آفرینش این خلیفه، به وجود آورد. محیط تکوینی انسان، همین هستی است که هدف اصلی از آفرینش آن، این بود که انسان با تسخیر و بهره‌مندی از خلقت (و امکانات هستی) در مسیر تکامل خود، رشد یافته و به تعالی برسد. کلید تسخیر کامل هستی، در «دین» (اعم از عقل و نقل) تعبیه شده است.

اگر بخواهیم تمام استعداد هستی را در خدمت این هدف مقدس به‌کار بگیریم راهی جز اجرای جامع دین نیست؛ و اجرای کامل دین جز در نگاه جمعی و اجتماعی آن محقق نمی‌شود.

بنابراین زمینه تحقق کامل دین، در تحقق عینی جامعه الهی است. چون در این دنیا، چنین جامعه کاملی در زمان ظهور حضرت مهدی رخ خواهد داد، لذا بالاترین اقامه دین در زمان آن حضرت به وقوع خواهد پیوست:

**مقام معظم رهبری‌:**

«**هوالّذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کله و لوکره المشرکون**»[[12]](#footnote-12) ... خدای متعال تصمیم گرفته است دین خود، دین حق، راه درست و صراط مستقیم الهی را بر همه ادیان بشری و همه آنچه که در دست بشر وجود دارد - که حق نیست و باطل است - غلبه دهد؛ چه آنچه که از اصل باطل است و چه آنچه که روزی حق بوده و بعد با تصرّف متصرّفان و تحریفگران، به صورت باطل درآمده است. دین خدا بر همه دینها غلبه خواهد کرد؛ یعنی همه‌ فرهنگ‌های بشری، همه سیستمهای اقتصادی، همه روش‌های حکومتی و همه شیوه‌های زندگی غلط، بالاخره محکوم دین خدا خواهند شد. بگذار چند روز و چند صباحی، به قدر تلاش اصحاب خود و ضعف اصحاب حق جولانی کنند؛ اما در نهایت، دین خدا همه روی زمین را فرا خواهد گرفت و همه انسان‌ها و افراد بشر، از دین خدا بهره‌مند خواهند شد.»[[13]](#footnote-13)

البته مرتبه کمال مطلق دین، در روز ظهور دین، یا قیامت خواهد بود.

به هر میزان جامعه اسلامی شکل بگیرد، دین به تحققش نزدیک‌تر می‌شود. و انسان‌ها در سایه چنین جامعه الهی، به تکامل مطلوب نزدیک‌تر می‌شوند. بر این اساس اگر جامعه اسلامی شکل نگیرد، زمینه تحقق یا اقامه برخی احکام و معارف دین و قرآن کریم، به وجود نخواهد آمد.

بر این اساس، خدای متعال تمام هستی را در اختیار انسان‌ها قرار داده است تا تحت اشراف و هدایت عقل و وحی و مدیریت انبیاء و اولیاء، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های هستی، جامعه الهی را شکل دهند و شاهد تحقق دین الهی باشند.

اولین اقدام هر کس در دین‌داری کامل و مطلوب و همچنین اقامه دینش، تعیین جایگاه خود در چنین جامعه‌ای و ایفای نقش در ارتقاء و رشد آن خواهد بود. در دل انجام چنین وظیفه‌ای، انسان رشد پیدا کرده و به تکامل خود نزدیک خواهد شد.

**(تذکر: در اینجا منظور از جامعه‌شناسی، شناخت نسبت به جامعه اسلامی است)**

اگر بخواهیم دین را به‌صورت کامل اجرا کنیم، لازم است نظام و جامعه اسلامی، و وظیفه و نقش تک‌تک افراد در آن شناخته شود تا نسبت به آن، اقدام کنند و به تعبیری دیگر وظیفه خود را پیاده کنند.

با این وصف، دین، یک تجلی و ظهور علمی (نظری) خواهد داشت که در قرآن کریم آمده است و یک تجلی و ظهور عینی خواهد داشت که در جامعه اسلامی و انسان‌ها ظهور پیدا خواهد کرد:

* **تجلی علمی دین (تبیین صراط مستقیم)**
  + **قرآن کریم**: برترین مرتبه از دین، فهم معصوم‌ از قرآن کریم است و بقیه فهم‌ها درجاتی از این فهم هستند.
* **تجلی عینی دین (جامعه انسان‌ساز)**
  + **تجلی غایی**: الگوی انسان کامل؛ هر انسانی در حد خود درجاتی از دین را منتقل می‌کند.
  + **تجلی میانی**: الگوی جامعه اسلامی؛ هر جامعه‌ای در حد خود درجاتی از دین را منتقل می‌کند.

تجلی علمی دین، قرآن کریم است؛ مبیّن آن امام معصوم است؛ لذا راه شناخت دین مراجعه به قرآن کریم با راهنمایی امام معصوم است.

اما تجلی عینی دین، **اولاً**: انسان کامل است، و نزدیک شدن به انسان کامل، به‌مثابه تحقق دین در افراد است؛ **ثانیاً**: ظرف نزدیک شدن به انسان کامل در جامعه ولایی تعریف شده است؛ لذا جامعه‌سازی ولایی، از لوازم عینیت‌بخشی به دین است.

بنابراین برای اقامه دین، لازم است:

**اولاً**) بر اساس فهم معصوم از قرآن کریم (دین علمی) که در بیان و عمل معصوم‌ ظاهر می‌شود، (دین عینی) جامعه مطلوب اسلامی را (که ظرف تحقق دین است) شناخت.

**ثانیاً**) مانع و معارض چنین جامعه‌ای، که همان جامعه غیرالهی و نظام طاغوت است، شناخته شود، تا بتوان بر اساس این شناخت، هم راه حق را دقیق‌تر فهمید و هم برای مقابله با راه باطل آماده شد.

**ثالثاً**) نسبت به ایجاد جامعه ولایی (به عنوان بستر نزدیک شدن انسان به انسان کامل) قیام و اقدام کرد و با موانع این مسیر به مقابله پرداخت.

سؤال) اگر وضعیت مسلمانان به‌گونه‌ای بود که جامعه اسلامی وجود نداشت، عمل به دین چه مفهومی خواهد داشت؟

پاسخ) وظیفه مسلمانان یا زمینه‌سازی برای جامعه اسلامی است یا حرکت دادن جامعه موجود به سمت وضعیت مطلوب اسلامی. این جامعه، ممکن است محدود به یک جامعه‌ای در وسعت مدینه‌النبی‌ باشد، یا جامعه‌ای در حد حجاز، یا جامعه‌ای در حد تمدن اسلامی، یا جامعه‌ای در حد تمدن مهدوی‌.

در هر صورت برای یک مسلمان لازم است، هم امام خویش را بشناسد که رابطه ولایی خود را با او برقرار کند و هم هم‌کیشان خود را بشناسد که با رابطه‌ای ولایی، وظیفه خود را در قبال آن‌ها انجام دهد. این کمترین حد از ساختار یک جامعه اسلامی است که مؤلفه‌های آن عبارتند از: امام و امت و روابط بین آن‌ها.

**نتیجه‌گیری**

شناخت صحیح از دین، در واقع عبارت است از:

1. شناخت صحیح از کل «**نظام منسجم هستی**»
2. «**پیکره جامعه اسلامی**» (با نگاه جامع به جایگاه آن در کل نظام هستی؛ فارغ از اجزای این پیکره واحد)
3. «**اجزای**» جامعه اعم از مدیر جامعه (امام)، اعضای جامعه (امت)، انسان، خانواده، فرهنگ، قانون، جسم و روح جامعه و ... (با نگاه به جایگاه اجزا در جامعه و نظام هستی)

با توجه به جایگاه غایی انسان، شناخت انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

1. «**روابط**» درونی بین اجزای جامعه و روابط بیرونی با نظام هستی و جوامع دیگر

در قرآن کریم کلیات چنین تصویر جامعی ترسیم شده است و راه اقامه دین نیز تلاش برای پیاده‌سازی چنین تصویری در عالم واقع است.

برای تحقق جامعه و انسان مطلوب، باید دو مطلب را بررسی کرده و فاصله‌ها را کم‌تر کنیم:

* وضعیت مطلوب:
  + وضعیت ایده‌آل و تصویر ارائه‌شده در قرآن کریم
  + الگوهای عینی محقق‌شده (در حد خودشان)
* وضعیت موجود

لذا خودشناسی عبارت خواهد بود از:

* چیستی وضعیت مطلوب از دیدگاه اسلام **(بحث علمی)**
* چیستی وضع موجود **(بحث عینی)**
* چگونگی تلاش برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب **(بحث عملی)**

دو بخش اول را ذیل عنوان خودشناسی (وضعیت ایده‌آل و موجود) و بخش بعدی را تحت عنوان اقامه دین، مطرح می‌کنیم.

با توجه به این‌که چنین حرکتی با موانعی روبروست: «**کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ**»، لازم است این موانع نیز شناخته شده و راه رفع آن را در مسیر حرکت از وضع موجود به مطلوب نیز بدانیم که «دشمن‌شناسی» و «جهاد» چنین مأموریتی را انجام خواهد داد و به موارد ذیل ملحق خواهد شد:

* **خودشناسی**
  + اسلام‌شناسی (وضع مطلوب)
  + مصداق انقلاب اسلامی (وضع موجود)
* **دشمن‌شناسی**
  + باطل‌شناسی (شناخت موانع)
  + مصداق تمدن غرب (وضع موجود دشمن)
* **قیام و اقامه**
  + حرکت رو به جلو با رفع موانع (بحث نظری)
  + بررسی مصداقی (جهاد فرهنگی روز)

مجموعه موارد فوق، مأموریتی است که بر دوش تمامی امت‌ها گذاشته شده است که با هم و در یک حرکت منسجم چنین کاری را انجام دهند و الا چنین مأموریتی از عهده افراد به تنهایی خارج است.

مثال:

در دین اسلام، اصالت با نماز جماعت است: «و ارکعوا مع الراکعین» و شرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی مذموم دانسته شده است.[[14]](#footnote-14) لذا برای تحقق کامل «اقامه نماز» اولین وظیفه راه‌اندازی و اقامه نماز جماعت، سپس شرکت در آن و دعوت دیگران به آن خواهد بود؛ که این مقدار حتی اگر بیش از دو نفر ممکن نبود، با همان تعداد انجام می‌شود.

در نماز جماعت انسان، غیر از اینکه لازم است نسبت به اصل نماز شناخت داشته باشد، باید به پیکره صحیح نماز جماعت، شرایط تحقق آن، اجزای آن اعم از امام و مأمومین، نحوه اتصال و ... آشنا باشد تا جایگاه خود را در آن پیدا کند و به اقامه آن بپردازد.

با توضیحات فوق، در دیدگاهی که دین اسلام را یک مکتب اجتماعی می‌داند به‌طوری که تحقق کامل آن در تحقق جامعه اسلامی است، لازم است، ابتدا با کلیت جامعه اسلامی و نظام ولایی آشنا شویم و سپس اجزای این پیکره واحد را مورد بررسی قرار دهیم. با این مبنا، در اقامه دین، شناخت دین (و وظیفه ما نسبت به دین)، از شناخت جامعه (و جایگاه ما در جامعه) شروع می‌شود و سپس اجزای آن موردبررسی قرار می‌گیرد. در درون این جامعه، ارتباطات شکل می‌گیرد و ارزش‌ها نیز حول چنین ارتباطاتی معنا پیدا می‌کند.

انسان بر اساس نوع نگرشی که به خدا، خلقت، جامعه و خودش، پیدا می‌کند، بینش خود را شکل می‌دهد و بر اساس چنین بینشی، گرایش یا عدم‌گرایش‌ها شکل می‌گیرد و همین مرحله، ختم به تعریف نوع ارتباطات در عمل می‌شود. بنابراین می‌توان ارزشهای یک انسان یا جامعه (با معنای اعم آن: مجموعه بینش، گرایش و رفتار) را در نوع ارتباطاتش تعریف کرد که مجموع جهان‌بینی و ایدئولوژی مکتب منتخب انسان و جامعه مذکور را تشکیل دهد.

ایدئولوژی

جهان بینی

**اقامه دین و جهاد فرهنگی**

جبهه فرهنگی مردمی انقلاب، وظیفه بخش فرهنگی چنین اقامه‌ای را عهده‌دار است. لذا لازم است در ابتدا بتوانیم نگاهی کلان به کلیت چنین تصویری داشته باشیم و سپس هر بخش را از زاویه فرهنگی، مورد بررسی بیشتر قرار دهیم.

تحقق دین

نرم‌افزار جامعه

سخت‌افزار جامعه

اقامه یا پیاده‌سازی

اثر مستقیم دین، ابتدا بر نرم‌افزار یا فرهنگ است و سپس بر سخت‌افزار یا خروجی نرم‌افزار.

هر چه جامعه، عمق بیشتری داشته باشد، تحقق دین کامل‌تر خواهد بود؛ البته عمق جامعه بر وسعت مکانی آن هم اثرگذار خواهد بود و به توسعه دین منجر خواهد شد.

هر چه دین بیشتر عملی شود، جمع محدود، به جامعه بزرگ‌تر تبدیل می‌گردد و با ادامه این روال، تمدن، به‌عنوان جامعه‌ای در وسعت بزرگتر به‌وجود می‌آید و کامل‌ترین نسخه دین، زمانی خواهد بود که تمدن مهدوی به‌عنوان بزرگترین و عمیق‌ترین جامعه بشری، کل دنیا را به تسخیر خود در بیاورد.

میزان عمق و کمال جامعه را فرهنگ آن تعیین می‌کند.

# دوره‌ها و هسته‌های علمی تبلیغی، بر اساس منطق مفاتیح‌الجهاد

رهبر معظم انقلاب:

«هسته‌های علمی تشکیل بشود در دانشگاه‌های مختلف؛ محورش هم یک یا چند استاد برجسته باشد.»[[15]](#footnote-15)

# دوره مقدماتی

**انسان‌شناسی و نظام ولایی، تبیین مفهوم تدیّن در انسان و جامعه، ضرورت و ارکان جهاد فرهنگی، اهمیت آشنایی با مبانی دینی و ولایی جهاد، اولین گام طرح مفاتیح‌الجهاد است که مخاطب را با مبانی و ادبیات گفتمانی این طرح آشنا می‌کند؛ هر چند این سطح، به صورت مستقل، بسته کاملی برای فعالان فرهنگی محسوب می‌گردد.**

### حیات طیّبه

### الفبای مبارزه

### تبیین منطق مفاتیح‌الجهاد

# دوره نظام ولایی

### انسان‌سازی (شامل تبلیغ فردی)

**هدف غایی از خلقت و مخاطب نهایی جهاد فرهنگی، رشد و تعالی انسان در مسیر تکاملی مدنظر الهی است؛ لذا مبنایی‌ترین و ضروری‌ترین مقدمه برای مجاهد فرهنگی، شناخت جایگاه انسان در خلقت، ساحات وجودی‌اش، و همچنین کیفیت اثرپذیری آن از عوامل درونی و بیرونی در تعاملات چهارگانه‌اش با خدا، هستی، دیگران و خویشتن است. یکی از بنیادی‌ترین اختلافات تمدن اسلامی و غرب، ناظر به همین موضوع است؛ لذا بدون کالبدشکافی دقیق از روح و جسم انسان، مجاهدت عالمانه‌ای رخ نخواهد داد.**

### جامعه‌سازی (شامل تبلیغ اجتماعی)

**اولین گام انسان‌سازی، ساختن کارخانه‌ای انسان‌ساز، به نام «جامعه» با یک نظام ولایی، است؛ فرهنگ در این دیدگاه، به وسعتِ جامعه بوده و بنیان آن محسوب می‌شود. لذا اولین گام برای هر مجاهد فرهنگی، شناخت جامعه مطلوب و وظیفه‌شناسی در قبال تحقق چنین جامعه‌ای است.**

**اهم مباحث این هسته عبارت است از: شناخت نظام ولایی، ارکان جامعه، جامعه مطلوب اسلامی، سطوح جامعه (خانواده، تشکل، محله، کشور، تمدن، امت و ...) و نوع روابط چهارگانه هر جامعه، عرصه‌های جامعه، عوامل اثرگذار درونی و بیرونی، کیفیت دعوت، ارتقاء فرهنگ و تثبیت آن در جامعه، چگونگی اثرگذاری غیرمستقیم بر تقویت سخت‌افزار جامعه**

# دوره خودشناسی

## **الف) مباحث بنیادین جبهه حق**

### قرآن کریم

**شناخت جایگاه قرآن کریم، در نظام ولایی، به عنوان منبع و قانون اساسی دین در کنار سنت و عقل، ما را به شناخت درست از وظیفه فردی و اجتماعی نسبت به این نسخه هدایت بشریت، رهنمون خواهد کرد. وظیفه مجاهد فرهنگی در گام نخست، انس با این کتاب معرفت، فهم معارف ظاهری و باطنی آن، و عمل به دستوراتش و در مرحله بعد تبیین چنین مسیری برای دیگران و ملاحظات اقامه و تحقق سبک زندگی قرآنی است.**

### معصومین

**ائمه معصومین‌** **با شؤون مختلف خود، در کنار ثقل اکبر والاترین جایگاه را در نظام ولایی دارند. خداوند متعال در نظام ولایی به ارسال کتاب الهی بسنده نکرده است و الگوی مطلوب خود را از انسان کامل، ارسال و وظیفه محافظت، تبیین و اجرای این قوانین را نیز به چنین انسان معصومی واگذار کرده است. ارائه نگاهی صحیح، غیرمحرّف و کاربردی از این جایگاه مهم، و به همراه وظایف جامعه فرهنگی نسبت به این مقوله، موضوعی پراهمیت است.**

### معارف و بینش اسلامی

**اعتقادات، عبارت است از جهان‌بینی هر انسان یا جامعه نسبت به چهارگانه «خدا، هستی، دیگران و خود» که در صورت تثبیت آن‌ها، بخش «بینش» فرهنگِ اشخاص و جوامع شکل می‌گیرد. «اعتقادات و بینش‌ها»، به‌عنوان عامل دو بخش دیگر (اخلاقیات و گرایش؛ احکام و رفتار) است که مجموع این سه‌گانه، «معارف» و «فرهنگ اسلامی» را شکل می‌دهد. در اسلام قوه خردورزی نیز به‌واسطه نقش‌آفرینی در بینش انسان‌ها، حائز اهمیت است.**

### اخلاقیات و گرایش اسلامی

**اخلاقیات، عبارت است از بایدهای اخلاقی هر جامعه در قبال چهارگانه «خدا، هستی، دیگران و خود» که در صورت تثبیت آن‌ها، بخش «گرایش» فرهنگِ اشخاص و جوامع شکل می‌گیرد. «اخلاقیات و گرایش»، به همراه دو بخش دیگر (اعتقادات و بینش؛ احکام و رفتار) سه‌گانه‌ی معارف و فرهنگی اسلامی را شکل می‌دهند. بینش‌ها مربوط به ساحت ذهن، و گرایش‌ها مربوط به ساحت قلب، و رفتارها مربوط به ساحت اعضا و جوارح انسان است.**

### قانون و رفتار اسلامی

**حقوق و احکام، عبارت است از بایدهای قانونی هر جامعه در قبال چهارگانه «خدا، هستی، دیگران و خود» که در صورت تثبیت آن‌ها، بخش «رفتار» فرهنگِ اشخاص و جوامع شکل می‌گیرد. «حقوق و رفتار»، به همراه دو بخش دیگر (اعتقادات و بینش؛ اخلاقیات و گرایش) سه‌گانه‌ی معارف و فرهنگی اسلامی را شکل می‌دهند. بینش‌ها مربوط به ساحت ذهن، و گرایش‌ها مربوط به ساحت قلب، و رفتارها مربوط به ساحت اعضا و جوارح انسان است.[[16]](#footnote-16)**

## **ب) مباحث زمانه جبهه حق**

**معرفت بنیادین اسلام، نقطه مطلوب و آرمانی را نسبت به اسلام نشان می‌دهد و معرفت زمانه، وضعیت موجود تحقق آن و فاصله تا وضعیت آرمانی را؛ لذا لازم است با شناخت دقیق از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی که توسط امام****، با عنوان «اسلام ناب» مطرح گردید، و مسیر وصول به تمدن نوین اسلامی را می‌پیماید، راه اصیل و ناب آن را تقویت کرده و از انحراف و ارتجاع توسط اسلام آمریکایی (تحجر و التقاط) محافظت گردد.**

### تاریخ تحلیلی انقلاب

### معارف انقلاب (ترکیب: خودشناسی، معارف انقلاب و بحث­هایی از فرق و ادیان)

# دورة دشمن‌شناسی

## **الف) مباحث بنیادین جبهه باطل**

### جریان باطل و نظام شیطانی

**جریان حق از ابتدای خلقت، با مانع دائمیِ جریان باطل، مواجه بوده است. قرآن کریم به صورت مکرر، ضمن شناساندن دو جریانِ شیطان درون و طاغوت بیرون، مقابله با این دو را گوشزد می‌کند. در حقیقت مبارزه جنود عقل و جهل در درون انسان‌ها با ظهور بیرونیِ مبارزه حاکمیت عقلانیت و جهالت، همراه است که بی‌توجهی یا اشتباه در شناخت دقیق انواع دشمنان (و مقابله متناسب با هر کدام)، همانند ‌تشخیص یا معالجه نامناسب برای پیکره جامعه خواهد بود.**

## **ب) مباحث زمانه جبهه باطل**

### فرهنگ و تمدن غرب (ترکیب: دشمن‌شناسی، فرهنگ و تمدن غرب، بحث­هایی از فرق و ادیان)

**اذناب جریان باطل ممکن است متعدد باشند، لکن دشمن اصلی و امروزی اسلام ناب، فرهنگ و تمدن مادی‌گرای غرب است که تلاش دارد از تحقق تمدن معنویت‌گرای اسلام جلوگیری کند. لازمه مقابله با تهاجم مستمر و همه‌جانبة این تمدن، که مبنای آن نظام شیطانی و تجلی‌اش، استکبار فرعونی است، شناخت صحیح از این دشمن، و انواع دشمنی آن به ویژه در ابعاد فرهنگی است.**

# دوره ابزارها و عرصه‌های فرهنگی

### تبلیغ بین‌الملل

### فرهنگ اقتصادی

توضیحات

* مباحث سطوح صرفاً به لایه «اندیشه‌ای» منحصر نیست، بلکه «مبتنی بر مباحث مطرح در لایه اندیشه‌ای»، دو لایه «انگیزشی و مهارتی» نیز «تدوین و طراحی» و سپس برنامه‌ریزی لازم برای تحقق آن‌ها در قالب‌های متناسب انجام می‌شود.
* محتوای کتب هسته‌ها در سطح عمومی (نظام ولایی، خودشناسی، دشمن‌شناسی) ارائه سه بخش ذیل خواهد بود:
* «**تبیین مبانی، اصول و نظام موضوع**»: مبانی و اصول نظریه دینی ما در موضوع مدنظر. به تعبیر دیگر، جایگاه موضوع در منظومه «اقامه اسلام ناب محمدی‌» بویژه بخش «جهاد فرهنگی» چه می‌باشد؟
* **«نیازهای جبهه فرهنگی در موضوع»** ملاحظات موضوع برای فعّالان، مجموعه‌ها و کلیت جبهه فرهنگی (مخاطب مستقیم مفاتیح)

جبهه مردمی فرهنگ (اعم از کل جبهه، مجموعه‌ها، مجاهدان) برای ایفای نقش خود، چه اصولی را باید موردتوجه قرار دهند؟

* **«مسائل جوانان در موضوع»:** ملاحظات موضوع برای جامعه مخاطب (مخاطب غیرمستقیم مفاتیح و مخاطب مستقیم جبهه فرهنگی)

نکته: در هر سه بخش در حد نیاز، موارد انحراف و آسیب‌ها هم بیان خواهد شد.



احکام و رفتار اسلامی

اخلاقیات و گرایش اسلامی

عترت

انسان‌شناسی

اعتقادات و بینش اسلامی

معارف انقلاب

تاریخ انقلاب

جریان باطل و نظام شیطانی

فرهنگ و تمدن غرب

تهاجم فرهنگی

قرآن

جامعه‌شناسی

1. خودشناسی

3. جهاد فرهنگی

انسان‌سازی

جامعه‌سازی

2.دشمن‌شناسی

اقدام

معارف بنیادین

معارف زمانه

سطح مقدماتی

خودشناسی

جهاد فرهنگی

دشمن‌شناسی

**فهرست اسامی هسته­های مفاتیح الجهاد**

برمبنای این سطوح و دوره‌ها، هسته‌های علمی-تبلیغی برای پیشتیبانی از هرکدام از دوره‌ها تشکیل می‌شود که از این قرار است:

1. **هسته‌های مربوط به سطح مقدماتی**

الف- هسته مبانی دینی جهاد فرهنگی

1. هسته فرهنگ تشکیلاتی و تشکیلات فرهنگی

**2) هسته جامعه و فرهنگ**

متولی عناوین: جامعه‌شناسی و جامعه‌سازی و فرهنگ­شناسی و فرهنگ­سازی

**3) هسته انسان و رشد**

متولی عناوین: انسان‌شناسی و انسان‌سازی

**4) هسته قرآن‌شناسی**

**5) هسته عترت‌شناسی**

**6) هسته اندیشه اسلامی**

**7) هسته اخلاق اسلامی**

**8) هسته حقوق اسلامی**

**9) هسته معارف انقلاب**

**10) هسته تاریخ تحلیلی انقلاب**

**11) هسته جریان باطل و نظام شیطانی**

**12) هسته فرهنگ و تمدن غرب**

**13) هسته انگیزش و مهارت**

**توضیح مختصر محتویات هسته­ها**

**هسته مقدماتی**

دوره مفاتیح‌الجهاد شامل چهار سطح «مقدماتی»، «نظام ولائی»، «خودشناسی» و «دشمن شناسی» است.

در سطح مقدماتی ابتدا، لزوم ترسیم هدف میانی انقلابی‌گری در افق **«تمدن‌سازی»** تبیین شده است؛ سپس از اتکای چنین تمدنی به **«مبانی دینی و انقلابی»،** بحث شده است، در مرحله بعد، ضرورت پیگیری این امر در بستر **«جبهه وسیع مؤمنان مجاهد»** مطرح گشته و در انتها به این پرداخته شده است که چنین جهادی باید از یک انگیزه و **«جوشش درونی»** برخاسته باشد.

این چهار رکن و لوازم آن در کل سطح مقدماتی و تحت عنوان «الفبای مبارزه» به اختصار تبیین شده است و تفصیل آن در سطوح سه‌گانه مفاتیح‌الجهاد، انجام شده است.

در کل سطوح، سعی بر این است که مؤمن متعبّد انقلابی، با مبانی و اصول اندیشه‌های ولایت در موضوعات مربوط به این مسیر آشنا گردد.

هر چند سطح مقدماتی، مقدمه‌ای برای سایر سطوح می‌باشد، لکن مطالب بگونه‌ای تدوین شده است که اگر کسی توفیق حضور در مراحل بعدی را نداشت، بتواند در حد کلیات مباحث، استفاده و بهره لازم را ببرد.

بینش جهادی به مقوله فرهنگ و تبیین منظومه جهاد فرهنگی، پیکار و نزاع تاریخی حق و باطل، مفهوم جهاد فرهنگی و بیّنات اندیشه امام خمینی(ره) از عناوین مورد بحث در این کتاب می‌باشد.

تولیدات هسته:

1. چهارجلدی اندیشه ولایت
2. الفبای مبارزه
3. شاه‌کلید
4. تشکل ایمانی

**هسته جامعه و فرهنگ**

«پیغمبر برای ساختن انسان‌ها و به قوام آوردن مایه انسان، از کارخانه انسان‌سازی استفاده می‌کند. کارخانه انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی است.»[[17]](#footnote-17)

تحقق هدف انسان‌سازی، در گرو اقامه کامل دین در گستره جامعه و در چهارچوب یک نظام ولایی است. فرهنگ در این دیدگاه، به وسعت جامعه و بنیان آن محسوب می‌شود. لذا اولین گام، شناخت جامعه مطلوب اسلامی و وظیفه‌شناسی در قبال تحقق چنین جامعه‌ای و سپس طراحی مسیر جامعه‌سازی با تأکید بر نقش فرهنگ، به عنوان مجموعه بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای جامعه، است. جامعه‌سازی اعم از سطوح مختلف جامعه می‌باشد.

**عناوین اصلی:**

* فهم دین در گستره جامعه و رفع نگاه فردگرایانه به دین.
* شناخت نظام ولایی، جامعه مطلوب اسلامی، سطوح جامعه (از خانواده تا تمدن)، نوع روابط چهارگانه هر جامعه، عرصه‌های جامعه و...
* شناخت عوامل و موانع اثرگذار درونی و بیرونی و به تبع آن، تعیین نقش مجاهدان فرهنگی در مسیر جامعه‌سازی.
* کیفیت دعوت، تثبیت و ارتقاء فرهنگ اسلامی در بعد نرم‌افزار جامعه.
* چگونگی اثرگذاری غیرمستقیم بر تقویت سخت‌افزار جامعه.
* تبیین جایگاه خودسازی به عنوان مقدمه اولیه و فرمولی برای جامعه‌سازی.

تولیدات هسته:

1. جامعه سازی
2. فرهنگ‌سازی
3. سبک زندگی

**هسته انسان و رشد**

«جامعه [اسلامی] وقتی تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند.»[[18]](#footnote-18)

هدف نهایی خلقت و غایت اقامه دین، رشد و تعالی انسان در مسیر تکاملیِ مدنظر دین می‌باشد؛ از این رو در بیان امام و رهبری، انسان‌سازی فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی دانسته شده است. لذا مبنایی‌ترین مقدمه برای مجاهد فرهنگی عبارت است از شناختِ:

* جایگاه انسان در خلقت، و در جامعه به عنوان مخاطب نهایی جهاد فرهنگی،
* ساحات وجودی انسان، و کالبدشکافی دقیق از روح و جسم آن،
* کیفیت اثرپذیری آن از عوامل و موانع درونی و بیرونی در تعاملات چهارگانه‌اش با خدا، هستی، جامعه و خود،
* الگوی انسان کامل به عنوان انسان مطلوب اسلامی،

و سپس طراحی مسیر انسان‌سازی با تأکید بر تعیین نقش خود در این فرایند.

عناوین مذکور، خطوط کلی هسته انسان و رشد (متشکل از دو بخش انسان‌شناسی و انسان‌سازی) را ترسیم می‌نمایند.

تولیدات:

1. انسان‌سازی
2. خود شناسی

**هسته قرآن**

«ما مسلمان‌ها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خِرَد خودمان و با راهنمایى اندیشه‌ بشرى و اسلامى، به اعماق تعالیم پیامبراسلام و این پیام‌ها برسیم.» (6/3/1393)

شناخت جایگاه قرآن کریم در نظام ولایی، به عنوان منبع و قانون اساسی دین در کنار سنت و عقل، ما را به شناخت درست از وظیفه فردی و اجتماعی نسبت به این نسخه هدایت بشریت، رهنمون خواهد کرد. وظیفه مجاهد فرهنگی عبارت است از:

1. انس با این کتاب معرفت، فهم معارف ظاهری و باطنی آن، و عمل به دستوراتش،

2. تبیین چنین مسیری برای دیگران در راستای اقامه و تحقق سبک زندگی قرآنی.

بر این اساس، هسته قرآن به ارائه شناختی صحیح از قرآن و جایگاه آن در منظومه جهاد فرهنگی و تبیین وظیفه مجاهدان این عرصه در نسبت با آن می‌پردازد.

تولیدات:

قرآن کریم

**هسته عترت**

«امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره جامعه، در مقابل انواع و اقسام مدیریت‌های جامعه که از ضعف‎ها و شهوات و نخوت و فزون‌طلبىِ انسانی سرچشمه می‎گیرد. اسلام، شیوه و نسخه امامت را به بشریت ارائه می‌کند.»[[19]](#footnote-19)

ائمه معصومین‌علیهم‌السلام با شؤون مختلف خود، در کنار ثقل اکبر (قرآن) والاترین جایگاه را در نظام ولایی دارند. خداوند متعال در نظام ولایی به ارسال کتاب الهی بسنده نکرده است و الگوی مطلوب خود را از انسان کامل، ارسال و وظیفه محافظت، تبیین و اجرای این قوانین را به ایشان واگذار کرده است.

عناوین اصلی:

* ارائه نگاهی صحیح، تحریف‌نشده و کاربردی از این جایگاه مهم،
* تبیین وظایف جامعه فرهنگی نسبت به مقوله عترت و سیره معصومین.

تولیدات:

سیره عترت

**هسته اندیشه اسلامی** (اعتقادات و بینش‌ اسلامی)

«در درجه اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسانْ حاکم قرار دادن. اولْ‌کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد.»[[20]](#footnote-20)

اعتقادات اسلامی، عبارت است از جهان‌بینی اسلام نسبت به چهارگانه «خدا، هستی، دیگران و خود» که در صورت تثبیت آن‌ها در انسان و جامعه، بخش «بینش» فرهنگِ اشخاص و جوامع شکل می‌گیرد. «اعتقادات و بینش‌ها» به‌عنوان عامل دو بخش دیگر (اخلاقیات و گرایش؛ احکام و رفتار) است و مجموع این سه‌گانه، «معارف» و «فرهنگ اسلامی» را شکل می‌دهد. در اسلام، قوه خردورزی نیز به‌ واسطه نقش‌آفرینی در بینش انسان‌ها حائز اهمیت است.

عناوین اصلی:

* تبیین جایگاه عقلانیت و خردورزی در انسان و جامعه،
* تبیین مبانی و اصول اعتقادات اسلامی در نسبت با روابط چهارگانه، به عنوان اساس رویش بینش اسلامی،
* بررسی نیازهای جامعه فرهنگی و مسائل جوانان در حوزه ذهنی و بینشی.

تولیدات:

1. اندیشه‌اسلامی
2. تبلیغ

**هسته اخلاق اسلامی** (اخلاقیات و گرایش اسلامی)

«آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می‏رساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو، به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آن‏ها در عمل خود است.»[[21]](#footnote-21)

اخلاقیات اسلامی، عبارت است از بایدها و نبایدهای اخلاقی اسلام در قبال چهارگانه «خدا، هستی، دیگران و خود» که در صورت تثبیت آن‌ها در انسان و جامعه، بخش «گرایش» فرهنگِ اشخاص و جوامع شکل می‌گیرد. «اخلاقیات و گرایش» به همراه دو بخش دیگر (اعتقادات و بینش؛ احکام و رفتار) «معارف» و «فرهنگ اسلامی» را شکل می‌دهند. بینش‌ها مربوط به ساحت ذهن، گرایش‌ها مربوط به ساحت قلب، و رفتارها مربوط به ساحت اعضا و جوارح است.

عناوین اصلی:

* جایگاه معنویت در انسان و جامعه،
* مبانی و اصول اخلاقیات اسلامی در نسبت با روابط چهارگانه، متناظر با لایه گرایش‌ها در فرد و جامعه،
* نیازهای جامعه فرهنگی و مسائل جوانان در حوزه قلبی و گرایشی.

تولیدات:

اخلاق‌اسلامی

**هسته حقوق اسلامی** (حقوق و رفتار اسلامی)

«مجموعه قوانین در نظام جمهوری اسلامی باید به یک قلّه منتهی شود و آن عبارت است از عدالت.»[[22]](#footnote-22)

حقوق و احکام اسلامی، عبارت است از بایدها و نبایدهای قانون اسلام در قبال چهارگانه «خدا، هستی، دیگران و خود» که در صورت تثبیت آن‌ها در عمل انسان و جامعه، بخش «رفتار» فرهنگِ اشخاص و جوامع شکل می‌گیرد. «حقوق و رفتار»، به همراه دو بخش دیگر (اعتقادات و بینش؛ اخلاقیات و گرایش) معارف و فرهنگ اسلامی را شکل می‌دهند. بینش‌ها مربوط به ساحت ذهن، گرایش‌ها مربوط به ساحت قلب، و رفتارها مربوط به ساحت اعضا و جوارح انسان است.

عناوین اصلی:

* جایگاه عدالت و نظم در وجود انسان و جامعه،
* مبانی و اصول حقوق و احکام اسلامی در نسبت با روابط چهارگانه، متناظر با لایه رفتار‌ها در فرد و جامعه،
* نیازهای جامعه فرهنگی و مسائل جوانان در حوزه قوانین و رفتارها.

تولیدات:

فقه‌وحقوق‌اسلامی

**هسته معارف انقلاب اسلامی**

«در باب کار فرهنگی و اهمیت آن، هرچه گفته بشود، تکرار گفته‌شده‌هاست و یک نکته بیش نیست و آن، پیام انقلاب و اصل ایصال آن است، که از اصول مسلّم اسلامی می‌باشد.»[[23]](#footnote-23)

معرفت بنیادین اسلام، نقطه مطلوب و آرمانی را نسبت به اسلام تبیین کرده و معرفت زمانه، وضعیت موجود در راستای تحقق آن و فاصله تا وضعیت آرمانی را نشان می¬دهد. لذا لازم است با شناخت دقیق از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی که توسط امامرحمةالله‌علیه، با عنوان «اسلام ناب» مطرح گردید، و مسیر وصول به تمدن نوین اسلامی را می‌پیماید، راه اصیل و ناب آن را تقویت کرده و از انحراف و ارتجاع توسط اسلام آمریکایی (تحجر و التقاط) محافظت گردد.

عناوین اصلی:

* آرایش جبهه حق و جریان‌های درون آن (همسو، معارض، بی‌تفاوت)،
* زنجیره انقلاب از تولد تا تمدن نوین اسلامی،
* مبانی و اصول و آرمان‌های نظام اسلامی (با تأکید بر روابط چهارگانه)،
* اصول فرهنگ انقلابی،
* وضعیت‌سنجی جبهه خودی، با تأکید بر عرصه فرهنگ،
* اسلام ناب و اسلام آمریکایی.

تولیدات:

معارف‌انقلاب‌اسلامی

**هسته تاریخ تحلیلی انقلاب اسلامی**

«می‌خواهیم از راه شناختن تاریخ خود، گذشته‌ خود و برجستگان این تاریخ، خود را درست بشناسیم؛ امروزمان را درست بفهمیم و راه فردامان را تشخیص بدهیم و باز کنیم.»[[24]](#footnote-24)

شرط دست‌یابی به معرفتی درست از خود (انقلاب اسلامی) در زمانه، فهم گذشته و درک زمینه‌های تاریخی خود است. تحلیل صحیح پدیده انقلاب اسلامی با آرمان تمدن‌سازی، در گروی نگاهی کلان و عمیق به تاریخ آن و فهمی تمدنی از وقایع این تاریخ می‌باشد.

عناوین:

* تبیین فلسفه تاریخ و رویکرد خود در تحلیل تاریخ انقلاب،
* بازخوانی تاریخ معاصر ایران (و جهان اسلام)، از تولد معمار تمدن (امام خمینیرحمةالله‌علیه) تا اقتدار تمدن، با محوریتِ...:
* تبیین اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی،
* نقش اسلام ناب، به‌ویژه نقش امام و امت،
* جریان‌شناسی فرهنگی تاریخ انقلاب اسلامی.

تولیدات:

تولد تمدن نوین(تاریخ تحلیلی‌انقلاب‌اسلامی)

**هسته جریان باطل و نظام شیطانی**

«امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار، همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است.»[[25]](#footnote-25) «دشمن درونی را هم -که نفس امّاره یا شیطان رجیم است- معرفی کنید، دشمن اجتماعی را هم -که شیطان بزرگ یا شیطان‌های گوناگونند- معرفی کنید، ایادی و اذناب شیطان را هم معرفی کنید.»[[26]](#footnote-26)

جریان حق از ابتدای خلقت، با مانع دائمیِ جریان باطل، مواجه بوده است. قرآن کریم به صورت مکرر، ضمن شناساندن دو جریانِ شیطان درون و طاغوت بیرون، مقابله با این دو را گوشزد می‌کند. در حقیقت مبارزه جنود عقل و جهل در درون انسان‌ها، با ظهور بیرونیِ مبارزه عقلانیت و جهالت، همراه است که بی‌توجهی یا اشتباه در شناخت دقیق انواع دشمنان (و مقابله متناسب با هر کدام)، همانند ‌تشخیص یا معالجه نامناسب برای پیکره جامعه خواهد بود.

عناوین اصلی:

* هویت‌شناسی جریان باطل (شیطان‌شناسی، اصول حاکم بر انسان و نظام شیطانی و...)،

تاریخ تحلیلی جریان باطل در طول زندگی بشر (شکست‌ها و پیروزی‌های این جریان، تاریخ استکبار و استضعاف و...).

تولیدات:

دشمن‌شناسی

**هسته فرهنگ و تمدن غرب**

«تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد.»[[27]](#footnote-27) «آنچه امروز دستگاه‌هاى سیاسى غرب ترویج می‌کنند، همان جاهلیتى است که بعثت پیغمبر براى زدودن آن از محیط زندگى بشر به‌وجود آمد. نشانه‌هاى همان جاهلیت، امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربى، مشاهده می‌شود.»[[28]](#footnote-28)

دنباله‌های جریان باطل ممکن است متعدد باشند، لکن دشمن اصلی و امروزی اسلام ناب، فرهنگ و تمدن مادی‌گرای غرب است که تلاش دارد از تحقق تمدن معنویت‌گرای اسلام جلوگیری کند. لازمه مقابله با تهاجم مستمر و همه‌جانبة این تمدن، که مبنای آن نظام شیطانی و تجلی‌اش، استکبار فرعونی است، شناخت صحیح از این دشمن، و انواع دشمنی آن به ویژه در ابعاد فرهنگی است.

عناوین اصلی:

* مبانی و اصول فرهنگ و تمدن غرب و کیفیت دشمن آن (با تأکید بر بعد فرهنگی)،
* تفاوت ماهیت مادی‌گرای تمدن غرب با پیشرفت‌های ظاهری،
* وضعیت‌سنجی جبهه باطل،
* جریان‌های نوظهور.

تولیدات:

1. فرهنگ و تمدن غرب
2. ادیان و فرق

# پیوست:

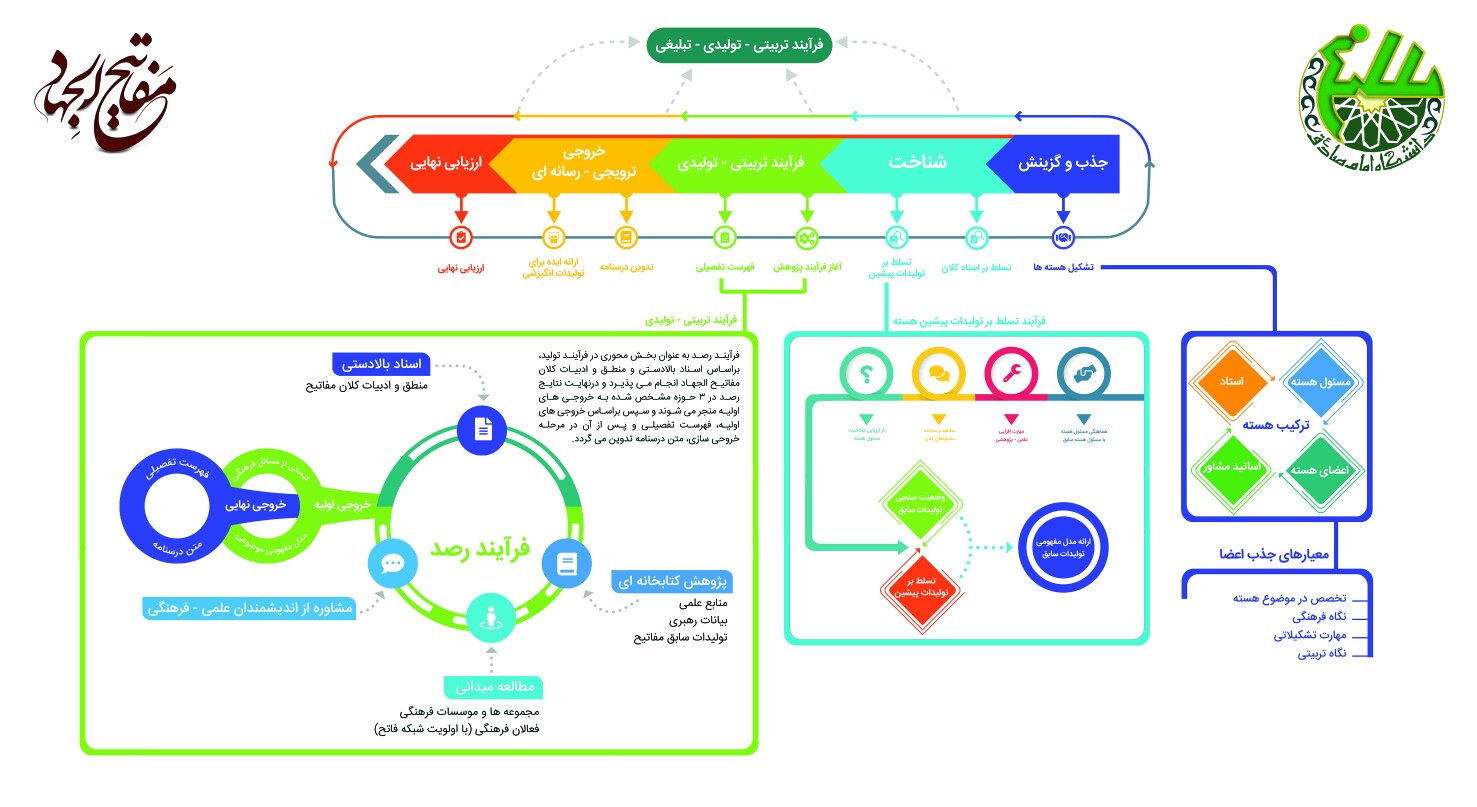
# فرایند؛ چیستی و ضرورت

عملکرد تولید محتوای گفتمان مفاتیح‌الجهاد، طبق فرآیند جهادی متشکل از مراحل مشخص و منسجم کارها، که همزمان دارای کارکردی «۱.**تربیتی**[[29]](#footnote-29)» و «۲.**تولیدی**» و «3.تبلیغی» است انجام می­شود.

ضرورت نگارش چنین فرآیندی را می‌توان اینگونه شرح داد:

1. **رفع شکاف در فهم با نقشه راه**: مهم‌ترین اثر فرآیند خروج نیروها از ابهام و همچنین ارائه تصویری واضح از روند کار برای اعضاء می‌باشد تا با انگیزه بیشتر و بصیرت بالاتری نسبت به کارخودشان، مأموریتشان را پیگیری نمایند. نکته اساسی مهم در مدیریت نیروها این است که خیلی از طرح‌ها، نقشه‌ها، آیین‌نامه‌ها برای نیروهای مدیریت‌کننده در ذهنشان وجود دارد ولی نیروها هیچ تصوری از آن ندارند و این شکاف جدی در فهم مسائل، مجموعه را با مشکل مواجه می‌کند. شکافی که طرفین به آن علم ندارند. لذا مدیر از نیروی خود انتظاری دارد که نیرو از آن اطلاعی ندارد؛ و بر عکس نیرو احساسش این است که بالادست نقشه راهی ندارد.
2. **جمع تقیّد و اصلاح**: طبعاً هر فرآیند اشکالاتی علمی و اجرایی دارد که در حین اجرا و با مشورت اصلاح می‌شود. لکن وقتی چیزی وجود ندارد هیچگاه زمینه اصلاح و تکمیلش فراهم نخواهد شد. بنابراین در عین اینکه راه برای اصلاح و تکمیل فرآیند باید باز باشد، برای اینکه امکان ارزیابی خود فرآیند وجود داشته باشد، هم تعهد به مراعات دقیق آن لازم است و هم مسئول اصلاح و تکمیل آن و نحوه این کار باید معلوم باشد.
3. **اعتماد یا تفویض**: اینکه برای هر هسته یا بخشی یک روال مشخص تعیین شود یا بر اساس اعتماد، ملاک و قاعده‌ای برای آن تعیین نگردد، باید معلوم شود؛ مسأله مهم این است که اولاً: تکالیف بصورت شفاف و واضح با معیارهایی معلوم باشد. ثانیاً: فرآیند‌های کمی جهت اطمینان از انجام امور معلوم باشد.
4. **اولویت دادن به مرحله چارچوب کلی هر هسته**
5. **ساده و عمیق**: فرآیند هر چه پیچیده‌تر باشد، «تبیین» و «جا انداختن» آن سخت‌تر خواهد بود؛ لذا لازم است: **اولا**) هر چه می‌توانیم در مراحل اولیه از پیچیدگی اجتناب نماییم. **ثانیا)** در مقام تبیین: کلیات اصلی و جزئیات فرعی را از هم جدا کنیم و از کلیات شروع کرده و بعد از تثبیت آن به جزئیات وارد شویم.
6. **ایجاد همدلی و همراهی**: برای طی مسیر بایستی یک رویه اتخاذ شود تا از تشتّت و گسیختگی امور جلوگیری شود.

برای فهم بهتر به ساختار شکلی فرآیند توجه کنید:



این فرایند شامل چند مرحله عمده است:

**تسلط بر تولیدات سابق**

لازم است محقق در اولین قدم ابتدا بر محتواهای کلان (بینات، شاه‌کلید و الفبای مبارزه) و سپس بر تولیدات سابق هسته خود تسلط پیدا کند.

این تسلط نه فقط از طریق مطالعه بلکه به کمک مباحثه و جلسات مشترک، و هم‌چنین فعالیت‌ها/تولیدات جانبی است. منظور از تولیدات جانبی هر اقدامی است در جهت تبیین و تشریح آموخته‌ها. به این معنا که در روند مطالعات و مباحثات از محقق انتظار می‌رود که بتواند مطالبی را که آموخته است با حل یک مسأله، ذکر مصادیق گوناگون، یافتن استنادات قرآنی و روایی، ارائه ایده‌های طراحی و انگیزشی و ... در قالب متنی ارائه دهد تا اوّلاً تسلط او احراز شود و ثانیاً فرایند آموزش اعضای هسته به طور کامل و دقیق صورت گیرد.

از مزایای طی کردن این مسیر (تسلط محتوایی) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* محقق برای این که بتواند مطالعات خود را در قالب حل مسائل و ذکر مصادیق عرضه کند، نیازمند نوعی مسأله‌شناسی و نیازسنجی است. این باعث می‌شود که در همین ابتدا نیاز به رصد مسائل را احساس نموده و در همین گام اول رصد را تمرین می‌کند.
* مطالب و روند کار از خشک بودن خارج شده و تبدیل به فرایندی پویا و زایا می‌شود.
* در هر بازه زمانی می‌توانیم محتواهای هسته‌ها را به صورت کاربردی و همچنین در قالب‌های انگیزشی عرضه کنیم. نه تنها محقق هر بار فهم بهتری از مطلب کسب خواهد کرد و به توانایی بیشتری در تبیین آن دست خواهد یافت، بلکه این اقدام کار را برای تدوین متن درسنامه و آموزشی‌سازی آن آسان‌تر خواهد کرد.

**آغاز فرایند پژوهش**

خروجی متنی هر هسته بر سه رکن پژوهشی استوار است:

1. نیازسنجی و مسأله‌شناسی

2. بیانات رهبر معظم انقلاب

3. منابع علمی و دانشگاهی

محقق در این گام به تکمیل مدل خود بر اساس نتایج رصد، بیانات و تحلیل منابع علمی می‌پردازد.دو ملاحظه حول این مورد این است که اولاً جلسات مشترک اعضا و اساتید هسته ها و ارائه مدل های محتوایی و گزارش نحوه پیشرفت فرایند باید به صورت مستمر برگزار شود و ثانیاً به هر میزان که فرایند رصد و پژوهش در بیانات طی می‌شود، مدل باید جزئی‌تر و پوشش‌دهنده ابعاد بیشتر و دقیق‌تری از موضوع باشد.

خروجی‌های هر سه عنوان به صورت فیش ارائه می‌شود.

**ارائه ایده برای تولیدات انگیزشی**

برای تبیین بهتر و سریع‌تر اصلی‌ترین مباحث تولیدشده مطابق منطق مفاتیح­الجهاد، استفاده از **قالب‌های هنری** ضروری است؛ لذا خروجی هر هسته علاوه بر درسنامه، برخی تولیدات انگیزشی از قبیل: موشن‌گرافی/کلیپ، پرزی/فوکوسکای، طرح گرافیکی و اینفوگرافی، را نیز در بر خواهد داشت.

1. - سوره شوری، آیه13. [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره حجر، آیه91. [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره نساء، آیه150. [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره حدید، آیه25. [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره حج، آیه41. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره نحل، آیه36. [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره شوری، آیه13. [↑](#footnote-ref-7)
8. - بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۱/۱۲/۱۳۹۳. [↑](#footnote-ref-8)
9. - 1.«مبانی و فرآیند جهاد»، 2.«محتوای جهاد» و 3.«اصول حاکم بر ابزار جهاد» [↑](#footnote-ref-9)
10. - حجرات، آیه14. [↑](#footnote-ref-10)
11. - غافر، آیه46. [↑](#footnote-ref-11)
12. - توبه، 33. [↑](#footnote-ref-12)
13. - بیانات در حرم مطهر رضوی، 1/1/76 [↑](#footnote-ref-13)
14. . «حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و‏‎ ‎‏سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.» (رساله توضیح المسائل امام خمینی‌ره؛ مسأله ۱۴۰۱) [↑](#footnote-ref-14)
15. - بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی نخبگان فردا، 22/7/1394. [↑](#footnote-ref-15)
16. . طبعاً بر اساس جایگاه مذکور، این هسته شامل بایدها و قوانین تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و ... است و به مفهوم حقوق به مفهوم عام آن می‌باشد. (شاید ترجیح بر استفاده از تعبیر قانون اسلامی باشد.) [↑](#footnote-ref-16)
17. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 19/7/1353 [↑](#footnote-ref-17)
18. - بیانات رهبر معظم انقلاب،24/7/1390 [↑](#footnote-ref-18)
19. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 12/12/1380 [↑](#footnote-ref-19)
20. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 29/4/1388 [↑](#footnote-ref-20)
21. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 6/1/1385 [↑](#footnote-ref-21)
22. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 7/4/1380 [↑](#footnote-ref-22)
23. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 3/2/1370 [↑](#footnote-ref-23)
24. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 19/2/1387 [↑](#footnote-ref-24)
25. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 16/4/1393 [↑](#footnote-ref-25)
26. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 3/10/1376 [↑](#footnote-ref-26)
27. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 14/3/1383 [↑](#footnote-ref-27)
28. - بیانات رهبر معظم انقلاب، 6/3/1393 [↑](#footnote-ref-28)
29. . منظور از تربیت، در گام اول «**داشتن رویکرد تربیتی در تعامل با اعضاء**» (اعم مسئول و اعضا و اساتید و ستاد) و اجتناب از **نگاه پروژه‌ای** به فعالیت‌های تولیدی می‌باشد. بخش اصلی تربیت نیز در فرآیند انجام **صحیح** و **جدی** کار اتفاق می‌افتد، لکن باید برنامه‌های **ارتقاء معرفتی** (مثل فعالیت‌های آموزشی و تشکیلاتی، برنامه‌های مطالعاتی و اعتکاف‌های علمی) و **مهارتی** (مثل آموزش‌های عمومی نرم‌افزارهای لازم و آموزش روش‌ها و...) متناسب با خود فعالیت‌ها، برای اعضاء در نظر گرفته شود. [↑](#footnote-ref-29)